

# فراخوان اقدام فوری

## ناپدیدسازی قهری فعال سیاسی ابراهیم بابایی برای ماهها

مقامات ایران یک فعال سیاسی به نام ابراهیم بابایی را مورد ناپدیدسازی قهری قرار داده‌اند. او روز ۳۰ آذر ۱۴۰۰ در جریان تلاش برای ترک ایران و گریز از مجازات‌های ناعادلانه زندان و شلاق قهرا ناپدید شد. سرنوشت و محل نگهداری ابراهیم بابایی از خانواده‌اش مخفی نگاه داشته شده و او در معرض خطر شکنجه و دیگر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار دارد.

**اقدام شما موثر است؛ به زبان و قلم خودتان نامه بنویسید یا از متن زیر الگو برداری کنید.**

ریاست قوه قضائیه، آقای غلامحسین محسنی اژه‌ای  
c/o Embassy of Iran to the European Union  
Avenue Franklin Roosevelt No. 15, 1050 Bruxelles, Belgium

جناب آقای غلامحسین محسنی اژه‌ای،

ابراهیم بابایی، فعال سیاسی ۵۶ ساله، بیش از ۴ ماه است که مورد ناپدیدسازی قهری قرار گرفته است. او در حالی قهرا ناپدید شد که تلاش داشت برای گریز از مجازات‌های زندان و شلاق ایران را ترک کند و به عنوان پناهنده وارد ترکیه شود. او تا تاریخ ۳۰ آذر ۱۴۰۰ دائما با خانواده و دوستانش در تماس بود، اما از آن روز به بعد، تماس‌های وی ناگهان متوقف شد. او اوایل همان روز به خانواده و دوستانش گفته بود که در ماکو در استان آذربایجان غربی است و به محض این که قاچاقچیان به او زمان حرکت به طرف مرز ترکیه را اعلام کنند او دوباره با آنها تماس خواهد گرفت تا آنها را در جریان بگذارد. از آن زمان هیچکس خبری از او نشنیده است و قاچاقچیان هم اطلاعات ضدونقیضی از سرنوشت وی به خانواده‌اش داده‌اند. در پی ناپدید شدن او، خانواده‌اش در تهران برای جویا شدن از سرنوشت و محل نگهداری وی به زندان اوین و پلیس آگاهی تهران مراجعه کردند، اما مقامات از دادن هرگونه اطلاعات و تایید یا تکذیب بازداشت او خودداری کردند. پلیس تهران نیز از ثبت نام و پرونده‌ی او به عنوان یک فرد گمشده خودداری کرد. چندین هفته طول کشید که سرانجام یکی از بستگان ابراهیم بابایی که ساکن میاندورود در استان مازندران است بتواند نام او را به عنوان فرد گمشده نزد مقامات آن شهرستان ثبت کند و اطلاعات مرتبط با چگونگی ناپدید شدن او، از جمله اطلاعات تماس قاچاقچیان را ارائه دهد. مقامات قضایی میاندورود متعاقبا پرونده را به همتایان خود در ماکو منتقل کردند، اما مقامات هنوز هیچ تحقیقی در مورد ناپدید شدن ابراهیم بابایی انجام نداده‌اند و از تحقیق و بازجویی از قاچاقچیان هم خودداری کرده‌اند. خانواده ابراهیم بابایی ابتدا به طور غیررسمی از طریق یک مأمور اطلاعاتی مطلع شدند که او زنده است. بعدتر، یک مأمور اطلاعاتی دیگر به طور غیررسمی به خانواده گفت که او در بازداشتگاه‌های مخفی موسوم به «خانه‌های امن» نگهداری می‌شود. فرد سومی که ارتباطی نزدیک با نهادهای اطلاعاتی و امنیتی دارد هم این خبر را برای خانواده تأیید کرده است. با وجود این، تا به امروز هیچ نهاد رسمی بازداشت وی را تایید نکرده است و در پاسخ به پیگیری‌های مستمر خانواده ابراهیم بابایی برای کسب اطلاعات در مورد سرنوشت و محل نگهداری، مقامات گفته‌اند که آنها باید بروند و منتظر باشند تا وقتی که با آنها تماس گرفته شود.

عفو بین‌الملل قبلا الگوی ناپدیدسازی قهری مخالفان و دگراندیشان از سوی نیروهای اطلاعاتی و امنیتی و ارتکاب جنایت و نقض جدی حقوق بشر علیه آنها در «خانه‌های امن»، از جمله استفاده نظام‌مند از شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی، ظالمانه و تحقیرآمیز برای گرفتن «اعترافات» اجباری و استناد به آنها برای صدور رأی محکومیت به دنبال محاکمه‌های ناعادلانه، را مستند کرده است. ابراهیم بابایی سابقه‌ای طولانی در عرصه فعالیت‌های سیاسی دارد. او در ارتباط با دو پرونده جداگانه که ناشی از فعالیت‌های سیاسی صلح‌آمیز اوست با حکم زندان و شلاق روبرو شده است. او از جمله به دلیل حمایت از کارزار دخترش شیما بابایی، از فعالان حقوق زنان، علیه قوانین تبعیض‌آمیز، تحقیرآمیز و آزارگرانه حجاب اجباری به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است.

ابراهیم بابایی دارای سابقه بیماری‌های متعدده، از جمله بیماری قلبی، آسیب‌دیدگی مزمن از ناحیه پا و مشکلات روحی است و برای آنها نیاز به مراقبت‌های درمانی و دارویی دارد.

از شما درخواست دارم که سرنوشت و محل نگهداری ابراهیم بابایی را فوراً روشن کنید و او را که فقط به خاطر استفاده صلح‌آمیز از حقوق انسانی‌اش در زمینه آزادی بیان، تشکل و تجمع بازداشت شده است، فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنید. تا زمانی که شرایط آزادی وی فراهم می‌شود، تضمین کنید که او به یک بازداشت‌گاه رسمی و شناخته‌شده منتقل شده، از ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در امان بوده، به طور منظم با خانواده و وکیل مورد انتخاب خودش ارتباط داشته و از مراقبت‌های پزشکی کافی برخوردار باشد.

با احترام

## اطلاعات تکمیلی

در پی ناپدید شدن ابراهیم بابایی، ابتدا قاچاقچیان به خانواده‌اش گفتند او در شهر وان در ترکیه است اما چند روز بعد ادعا کردند که او در خانه یکی از قاچاقچیان در حوالی شهر وان جان باخته و جسدش را پلیس ترکیه برای کالبدشکافی به بیمارستان منتقل کرده است. توضیح نهایی قاچاقچیان به دختر ابراهیم بابایی، شیما بابایی این بود که پدرش در روستای دورافتاده‌ای در ترکیه به نام اوزالپ که حدود ۱۶ کیلومتری مرز ایران قرار دارد جان باخته و او باید برای تحویل گرفتن جسد به اوزالپ برود. به گفته وکیل این خانواده در ترکیه که برای راستی‌آزمایی این ادعاها به سردخانه‌ها، بیمارستان‌ها، پلیس امنیتی وان، شورای شهر و پلیس اوزالپ و همچنین مرزبانان ترکیه مراجعه کرده، مقامات ترکیه اعلام کرده‌اند که در این مدت جسدی مطابق با مشخصات ابراهیم بابایی دریافت نکرده‌اند. مقامات ترکیه همچنین به وکیل خانواده گفته‌اند که بر اساس تحقیقات انجام شده، ابراهیم بابایی هرگز وارد ترکیه نشده است.

ابراهیم بابایی به دلیل فعالیت‌های صلح‌آمیز منطبق با حقوق بشر، از جمله فعالیت‌های سیاسی و حمایت علنی از کارزار شیما بابایی (که در سال شهریور ۱۳۹۷ از ایران گریخت) علیه قوانین آزارگرانه حجاب اجباری، سال‌ها تحت دستگیری و بازداشت خودسرانه، محاکمه ناعادلانه و شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار گرفته است. ابراهیم بابایی اولین بار در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۶۲ در شهر ساری در استان مازندران دستگیر و به دلیل خواندن اعلامیه‌های «ضد جمهوری اسلامی» و در اختیار داشتن کتاب‌های ممنوعه، حکم محکومیت برای جرایم امنیتی واهی گرفت و ۱۶ ماه را در زندان ساری سپری کرد. در طول دو دهه‌ی بعد، مقامات بارها او را برای بازجویی در رابطه با فعالیت‌های سیاسی‌اش احضار کردند و هر بار چندین ساعت او را در بازداشت نگاه داشتند.

ابراهیم بابایی مجدداً در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۳۸۸ در ارتباط با شرکت صلح‌آمیز خود در تظاهرات اعتراضی آذرماه ۱۳۸۸ دستگیر شد. وی را چند روز در یک «خانه امن» نگهداری کرده و سپس به زندان اوین منتقل کردند. در زندان اوین او به مدت حدود ۴ ماه در سلول انفرادی بود و بعد از آن برای مدتی بین بندهای ۲۴۰، ۲۰۹ و بند عمومی زندان جابجا شد. سلامت او در دوره بازداشت به دنبال محروم شدن از مراقبت‌های پزشکی به جراحات مزمن پا که در طی خدمت سربازی در جریان جنگ ایران و عراق متحمل شده بود رو به افول گذاشت. او قادر نبود بدون عصا و یا کمک بقیه زندانیان راه برود. او در آذر ۱۳۸۹ با قرار وثیقه آزاد شد. او به فاصله کوتاهی قبل از آزاد شدنش با قرار وثیقه، به خاطر شرکت در تجمعات اعتراضی صلح‌آمیز آذر ۱۳۸۸ در دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. او متعاقباً از بابت اتهامات «اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «تشویش اذهان عمومی» به پنج سال و ۹ ماه و یک روز حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. او در حدود زمانی آبان ۱۳۹۰ دوباره دستگیر شد تا دوران محکومیت خود را سپری کند. ابراهیم بابایی بخشی از دوران محکومیت خود را در «تبعید داخلی» در زندان رجایی‌شهر کرج در استان البرز و باقی حکم زندانش را در زندان اوین گذراند. مجازات ۷۴ ضربه شلاق وی در ۲۲ مرداد ۱۳۹۲ در زندان اوین اجرا شد. او در شهریور ۱۳۹۲ با توجه به وضعیت سلامتی نامساعدش مورد عفو قرار گرفت و از زندان آزاد شد.

وی در مدتی که در زندان رجایی‌شهر به سر می‌برد مطلع شد که مقامات بدون اطلاع قبلی به وی پرونده دیگری علیه‌اش تشکیل داده و او را در رابطه با فعالیت‌های صلح‌آمیزش در زندان، از جمله پیوستن به سایر زندانیان سیاسی در اعتصاب غذاهای گروهی و نوشتن بیانیه‌های مشترک در مورد شرایط زندان، به طور غیابی به پنج سال حبس تعلیقی محکوم کرده‌اند. در شهریور ۱۳۹۷، وی همچنین در رابطه با حمایت از شیما بابایی به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد. ابراهیم بابایی در ماه‌های قبل از اقدام به فرار از کشور، مخفیانه زندگی می‌کرد و نگران بود که مقامات به دنبال یافتن و دستگیری او و اجرای احکامش هستند.

طبق قوانین بین‌الملل ناپدیدسازی قهری جرمی است که زمانی رخ می‌دهد که شخصی توسط مأموران حکومتی یا افرادی که با مجوز، حمایت یا رضایت دستگاه‌های حکومتی عمل می‌کنند، اقدام به دستگیری، بازداشت یا ربودن یک فرد بکنند، اما به دنبال آن از اعتراف به این عمل یا ارائه اطلاعات درباره سرنوشت یا محل نگهداری آن فرد خودداری ورزیده و بدین ترتیب او را در خارج از دایره نظارت و حمایت قانونی قرار دهند. بازداشتگاه‌های مخفی غیررسمی در ایران کاملاً خارج از دایره نظارت قانون هستند و ارتکاب ناپدیدسازی قهری و سایر جرایم و نقض حقوق بشر، از جمله شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را تسهیل می‌کنند. این بازداشتگاه‌های مخفی غیررسمی اغلب خانه‌ها یا واحدهای آپارتمانی هستند که به طور غیرقانونی توسط نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، اغلب توسط وزارت اطلاعات یا سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، تغییر کاربری داده شده و برای بازداشت افراد مورد استفاده قرار می‌گیرند. این گونه بازداشتگاه‌های مخفی در سازمان زندان‌های کشور ثبت نشده و بازداشت‌شدگان و بستگان آنها هیچ‌گاه از محل دقیق نگهداری اطلاع پیدا نمی‌کنند. مأموران امنیتی و اطلاعاتی در ایران در محاوره‌هایشان از آنها به عنوان «خانه امن» یاد می‌کنند. بازداشت افراد در چنین مراکزی به خاطر چارچوب‌های قانونی معیوب ایران امکان‌پذیر شده است که موجب شده زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها تحت نظارت مناسب قرار نگیرند و مسئولان ناقض حقوق بشر پاسخگو نگه داشته نشوند.